

دکتر امید سپهری راد

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

(omid_sepehri@yahoo.com)

علی آرامجو

کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران

a.aramjoo@yahoo.com

ورود ایران به بازار جهانی و تاثیر آن بر صنایع دستی کشور در نیمه‌ی دوم حکومت قاجاریه نمونه موردی: ولایت قاینات

چکیده

با ورود گسترده‌ی ایران به بازار جهانی در نیمه دوم حکومت قاجاریه (۱۳۴۴-۱۲۶۴ق)، حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور، متحول شد. صنایع دستی نیز به عنوان یکی از عرصه‌های اقتصادی از این امر مستثنی نبود. مقاله‌ی حاضر، ضمن بررسی وضعیت صنایع دستی ولایت قاینات در نیمه‌ی دوم حکومت قاجاریه، تأثیر ورود گسترده‌ی این ولایت به بازار جهانی را بر این بخش از اقتصاد منطقه، مورد بررسی قرار داده است. بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر، در این دوره بسیاری از صنایع دستی قاینات به سبب عدم توان رقابتی با کالاهای ماشینی و عمدتاً ارزان قیمت و سهل الوصول غربی، به حاشیه رفته و به مرور زمان از بین رفت؛ با وجود این، تولید و تجارت فرش دستباف به سبب اقبال روزافزون بازار جهانی، تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت ضمن اینکه این صنعت از لحاظ کیفی آسیب قابل توجهی را متحمل شد هر چند این امر در پژوهش‌های انجام شده کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قاجاریه، بازار جهانی، قاینات، صنایع دستی، فرش دستباف.

مقدمه

توسعه‌ی اقتصاد بین‌المللی بعد از ۱۸۵۰ م / ۱۲۶۶ق، تحولات عمده‌ای در اقتصاد داخلی بسیاری از کشورها به دنبال داشت و ایران هم از این امر مستثنی نبود. به سبب پیشرفت تکنولوژی حمل و نقل، گشوده شدن کانال سوئز در ۱۸۶۹م / ۱۲۸۶ق، تاسیس راه آهن و غیره، تجارت ایران نیز وارد رقابت‌های بین‌المللی شد.^۱ استفاده از کشتی‌های تجاری بخار در دریای خزر در ۱۸۶۱م / ۱۲۷۷ق و خلیج فارس در ۱۸۶۲م / ۱۲۷۸ق به ترتیب ارتباط بنادر شمالی ایران با روسیه و بنادر جنوبی را با هند بریتانیا آسان‌تر کرد.^۲ آغاز صنعتی شدن آسیای مرکزی و قفقاز که در اواخر دهه‌ی ۱۸۸۰م / ۱۲۹۰ق و اوایل دهه ۱۸۹۰م / ۱۳۰۰ق صورت پذیرفت، بازار جدیدی را برای محصولات ایران، مخصوصاً ایالات شمالی آن، از جمله خراسان فراهم آورد.^۳ این تغییر و تحولات و اتفاقات دیگری که در سطح جهانی رخ نمود، اقتصاد کشور در قرن نوزدهم را به صورت گسترده‌ای - با شدت و ضعف در حوزه‌های مختلف - تحت تاثیر قرار داد. بی‌تردید درک همه‌جانبه‌ی این تغییر و تحولات مستلزم انجام پژوهش‌ها و بررسی‌های عمیق در این باب است. این در حالی است که در پژوهش‌های اخیر، هنوز اوضاع اقتصادی و تحولات محلی در ایالات کشور پهناور ایران به گونه‌ای بایسته و شایسته مورد توجه قرار نگرفته است و نه تنها تاریخ مناطق مختلف نامعلوم باقی مانده بلکه گرایش عمومی به تعمیم بی‌دلیل، غیرمستند و یکسان نتایج پژوهش‌های کلی در مورد کشور، به همه‌ی ایالات بوده است. مطالعات مربوط به حوزه‌ی اقتصاد و به ویژه صنایع دستی مناطق مختلف کشور نیز از این امر مستثنی نیست. اگرچه در دهه‌های اخیر مقالات متعددی با محوریت صنایع دستی و بویژه صنعت فرش دستباف ایران در دوره قاجار به نگارش در آمده است اما عمدتاً به سبب اینکه با نگاهی کلی و فرامحلی به موضوع نگریسته شده است، آنگونه که باید نمی‌تواند

پاسخگوی سوالات متعدد این حوزه باشد هر چند نباید منکر جنبه‌های مثبت این دست از مطالعات نیز شد. به عنوان نمونه سیف در مقالات: فرش و پارچه‌بافی در ایران قرن نوزدهم^۴، تولید کننده‌های فرش در ایران قرن نوزدهم^۵ و تجارت فرش و اقتصاد ایران در سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۶م^۶ و منصوره اتحادیه و همکاران در مقاله تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه^۷ با تاکید بر بازار بین‌المللی فرش دستباف به عنوان اصلی‌ترین صنعت دستی کشور، اطلاعات قابل توجهی را در این باب ارائه داده‌اند.

به هر روی پژوهش حاضر بر آنست تا با تکیه بر منابع متعدد تاریخی موجود اعم از اسناد، روزنامه‌ها، مجلات، سفرنامه‌ها و غیره، تأثیر پیوند گسترده‌ی اقتصاد و تجارت ولایت دور افتاده و مرزی قاینات با بازار جهانی را (متغیر مستقل) بر بخش صنایع دستی ولایت مذکور (متغیر وابسته) در نیمه‌ی دوم حکومت قاجاریه، مورد بررسی قرار دهد تا از این رهگذر نمونه‌ای را از تغییر و تحول پیش گفته و دامنه‌ی آن ارائه نماید.

صنایع دستی قاینات در نیمه اول قاجار

شرایط خاص جغرافیایی ولایت قاینات^۸ موجبات جدایی آنرا از ولایات همجوار فراهم آورده بود به گونه‌ای که مردم این منطقه همواره در تهیهی بسیاری از وسایل مورد نیاز، خود کفا بودند. بعلاوه باید یادآوری کرد که عدم رونق کشاورزی و دامداری که از شرایط نامساعد اقلیمی این منطقه ناشی می‌شد، مردم را از دیرباز به توسعهی منابع اقتصادی دیگر، از جمله صنایع دستی سوق می‌داد.^۹ فریزر (۱۲۳۷ق/۱۸۲۲م) از بیرجند به عنوان شهری کارگاهی یاد کرده است که نشان از فعالیت گستردهی مردم این شهر در حوزهی صنایع دستی دارد. وی شغل قاطبهی مردم قاین را نمدمالی معرفی کرده است. ولایت قاینات در تولید محصولات پشمی و کرکی نیز مشهور بود. فریزر از این میان به شال‌های ضخیم، لباس‌های زمستانی، انواع مختلف ژاکت، جوراب، دستکش و غیره اشاره می‌کند.^{۱۰} بنا به گزارش‌های موجود نمد بیرجندی نیز از جایگاه خاصی برخوردار بوده است.^{۱۱} با وجود این مهم‌ترین صنعت دستی این منطقه از مدت‌ها قبل، قالی بافی بود. در گزارشی مربوط به سال‌های نخست دهه‌ی ۱۰۲۰ق خراسان به عنوان تولید کنندهی بهترین و بیشترین قالی‌ها در منطقه معرفی شده است.^{۱۲} برخی گزارش‌های مربوط به قاینات دورهی قاجار، قالی این ولایت را بهترین نوع فرش در ایران می‌دانستند.^{۱۳} سرجان ملکم از تولید قالیچه‌هایی از پشم با طرح‌های گوناگون در قاینات یاد می‌کند که از لحاظ کیفیت با هر ساخته‌ای از این دست در ایران برابری می‌کرده است. همو از حمایت خصامیران قاینات تولید این صنایع گزارش داده است^{۱۴} که این امر خود گویای اهمیت این پیشه در اقتصاد بومی قاینات در دورهی قاجار است.

نظر به اینکه در نیمه‌ی اول حکومت قاجاریه، تجارت قاینات عمدتاً جنبه‌ی محلی داشت و هنوز به صورت گسترده وارد عرصه‌ی تجارت خارجی نشده بود، میزان تولید

صنایع نیز محدود بود و بیشتر برای نیاز خانگی و در مواردی محدود صادرات به مناطق دیگر تولید می‌شد. اما شرایط در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست به گونه‌ای دیگر رقم خورد. نگاهی گذرا به تحولات تجاری قاینات در دوره‌ی قاجار، پیش زمینه‌ی مناسبی را برای درک تحولات صنایع دستی در این دوره فراهم می‌آورد.

ولایت قاینات و تجارت جهانی

هر چند در نیمه اول حکومت قاجاریه (۶۴-۱۲۱۰ق) تجارت قاینات بیشتر با دیگر ولایات ایران و آن هم در قالب واردات و صادرات کالاهای محلی صورت می‌گرفت، گزارش‌هایی حاکی از ورود تدریجی این ولایت در تجارت با هند بریتانیا نیز موجود است. تجارت کرک، که بیشتر به هند صادر می‌شد،^{۱۵} عمدتاً توسط هندپانی صورت می‌گرفت که از قبل در این ولایت ساکن شده و از عناصر مهم تجاری منطقه بودند. ولف در سال ۱۲۴۷ق از فعالیت چند تاجر هندی در بیرجند خبر داده است.^{۱۶} افزون آنکه بعضاً کالاهای هند و بریتانیا و اروپا که به بنادر خلیج فارس مخصوصاً بندرعباس می‌رسید، از طریق کرمان و خبیص وارد بیرجند کرسی قاینات می‌شد تا از آنجا به دیگر مناطق ارسال شود.^{۱۷} حاکمان ولایت قاین که دارای گله‌های شتر بودند، از اوایل قرن نوزده، با اجاره دادن شتر به تجاری که در این مسیر و مسیرهای دیگر فعالیت داشتند، در تجارت آنها شریک و ضمن کمک به رشد تجارت از طریق قاینات، منافع خود را نیز تضمین می‌کردند.^{۱۸} فوربس (۱۲۵۹ق) از سه یا چهار کاروانسرای خوب در شهر بیرجند یاد می‌کند که نشان از رشد تجارت این شهر دارد.^{۱۹}

همانطور که پیشتر اشاره شد، در نتیجه‌ی تغییر و تحولاتی که بویژه از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم در حوزه اقتصاد بین‌المللی رخ نمود، تجارت ایران نیز وارد رقابت‌های بین‌المللی شد؛ تلاش قدرت‌های بزرگ استعماری روس و بریتانیا در قرن نوزدهم جهت نفوذ در

ایران نیز به نوبه خود در این امر موثر افتاد؛ بی‌تردید یکی از مهمترین کانال‌ها برای نفوذ هر چه بیشتر در کشور، توسعه‌ی روابط اقتصادی و تجاری بود؛ ولایت قاینات، واقع در میانه‌ی مشهد و سیستان که به ترتیب بازارهای عمده‌ی کالاهای روسی و بریتانیایی به شمار می‌آمد، در این دوره صحنه‌ی رقابت چشمگیر لندن و سنت‌پترزبورگ شد. علاوه بر موقعیت مناسب تجاری قاینات، شرایط سیاسی این ولایت نیز جاذبه‌ی زیادی برای این دو قدرت داشت. قاینات به عنوان منطقه‌ای در همسایگی افغانستان و نزدیکی هند بریتانیا، برای بریتانیا که دل‌نگرانی عمده‌اش در سده‌ی نوزدهم، جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه و از اوایل قرن بیستم، آلمان به سمت خاور و جنوب خاوری بود، از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود؛ علاقه بریتانیا به ایران از قرن نوزدهم به بعد، عمدتاً بر این ضرورت استوار بود که از طریق این کشور موقعیتش را در هند حفظ و تثبیت کند؛^{۲۰} رفتار بریتانیا در هرات نیز کاملاً تحت تأثیر همین ضرورت بود. تهدید هند از جانب روسیه که در اوایل قرن نوزدهم چندان محسوس نبود، به دنبال پیشروی آن کشور در آسیای مرکزی و نزدیک شدن به مرزهای هند، نگرانی زیادی را در مقامات بریتانیایی برانگیخت^{۲۱} و باعث شد که در مورد افغانستان و همچنین مناطق شرق و جنوب شرقی ایران که تمامی ولایت قاینات را در بر می‌گرفت، حساسیت بیشتری اعمال کنند. لذا این مناطق از اواسط قرن نوزدهم همواره مورد توجه بریتانیا و همچنین روس‌ها بود. وزیر امور خارجه هند بریتانیا در گزارشی به سفیر بریتانیا در تهران، بر اهمیت امیرنشین قاینات و سیستان اینگونه تأکید کرده است: «دولت هند اهمیت بسیار زیادی برای منافع بریتانیای کبیر در این مناطق ایران قایل است و بر این عقیده پافشاری می‌کند که تحت هیچ شرایطی نباید اجازه داد که این ناحیه همچون ایالت‌های شمالی ایران تحت کنترل و یا حتی در حوزه نفوذ روسیه قرار گیرد و لازم است که اعتبار و نفوذ بریتانیا در آن منطقه به صورت جدی و با دقت تمام

حفظ شود».^{۲۲} به هر روی از منظر دولتمردان بریتانیا، مرزهای شرقی ایران آخرین خاکریز دفاعی امپراتوری بریتانیا در هند، برای مقابله با نفوذ روسیه بود.^{۲۳} سیاستگذاران بریتانیایی در راستای منافع امپراتوری خود، تلاش می‌کردند تا از راه‌های گوناگون به خصوص توسعه‌ی روابط تجاری، در این مناطق نفوذ کنند؛ به بیانی دیگر تمامی فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بریتانیا در قاینات و سیستان در راستای اهداف سیاسی انجام می‌گرفت. همانطور که وزیر امور خارجه هند به سفیر بریتانیا در تهران متذکر شده بود دولت هند با گشودن مسیر کوئته و پیش بردن بازرگانی قصد داشت منافع بریتانیا را در آن بخش‌های ایران که به گونه‌ای با بلوچستان ارتباط داشت، حفظ کند.^{۲۴}

به هر روی به دنبال تلاش لندن و سنت پترزبورگ برای اعمال نفوذ در منطقه‌ی استراتژیک قاینات، این ولایت بخصوص بیرجند در نیمه‌ی دوم حکومت قاجاریه (۱۳۴۴-۱۲۶۴ق) تبدیل به قطبی بازرگانی برای مبادلات خارجی و داخلی در شرق ایران شد به طوری که در چند دهه‌ی پایانی حکومت مذکور یکی از طرف‌های اصلی تجاری بریتانیا و روسیه در شرق ایران به حساب می‌آمد و هر یک از آنها در این ناحیه، برای نفوذ بیشتر در تکاپو بودند. این در حالی بود که قاینات تجارتی در حال رشد را با ولایات همجوار افغان و همچنین ولایات دیگر ایران نیز تجربه می‌کرد. به عنوان نمونه در ۰۶-۱۹۰۵م حدود ۷۰ درصد از واردات ولایت قاینات را کالاهای روسی و هند بریتانیایی به خود اختصاص دادند ضمن اینکه ۴۳ درصد از صادرات قاینات نیز در این سال راهی کشور های مذکور شد.^{۲۵} بررسی مفصل تغییراتی که در جریان تجارت قاینات در این زمان روی داد از موضوع این نوشتار خارج است.^{۲۶} به هر روی پیوند تجارت ولایت دور افتاده‌ی قاینات با بازارهای بین‌المللی، زمینه‌ساز تحولاتی چند در عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی و

اجتماعی این ولایت شد. همانگونه که پیشتر اشاره شد، صنایع دستی نیز از این تغییر و تحولات مستثنی نبود که در ادامه این نوشتار به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

مصنوعات وارداتی و صنایع دستی ولایت قاینات

اگرچه آمار دقیقی از صنایع و پیشه‌های نیمه اول حکومت قاجاریه در دست نیست، اما بی‌تردید سیل واردات مصنوعات اروپایی باعث کاهش تولید صنایع محلی و از بین رفتن برخی از پیشه‌ها شد و وضع صنعتگران حرفه‌های گوناگون را متحول نمود. همانگونه که فوران اشاره می‌کند پارچه‌بافان سنتی که قبلاً در تولید شهری جنبه محوری داشتند، در قرن نوزدهم، بر اثر جریان سیل آسای واردات پارچه‌های اروپایی از بین رفتند.^{۲۷} مولف «جغرافیای اصفهان» که آن را در دوره ناصری به نگارش در آورده است، ضمن توصیف فعالیت صنف نساج، از تاثیر سوء ورود منسوجات غربی به بازار اصفهان به تفصیل یاد می‌کند: «سابق بر این‌که پارچه‌های فرنگی شایع نبود، از اعلی و ادنی، حتی ارکان دولت، و بعضی از شاهزادگان عظام قدک‌پوش بودند. بدین جهت، قدکهای بسیار خوب ممتاز از هشت چله الی سی چله، در اصفهان می‌بافتند، که پود و نون هر دو ریسمان اصفهانی رشته بود. رنگهای پخته صباغی اصفهان را هم که بر آن می‌افزودند، نزاکتی پیدا می‌کرد چندین سال است که پارچه‌های زرد و سرخ باطن سست فرنگستان رواج گرفته... مردم ایران جسم و جان خود را رها کرده و دنبال رنگ و بوی دیگران رفتند. در واقع، در این مرحله به ضررها رسیدند. ریسنده‌های ریسمانها از کار عادی بازماندند و به ترتیب، تلف و تمام شدند. روسیه دست از خرید کشید، در صنف نساج شکست کلی رسید. عشر اصناف این شهر نساج بود که خمس آن باقی نیست.^{۲۸}

بنا بر گزارش‌های موجود برخی از صنایع دستی ولایت قاینات در مصاف با مصنوعات

وارداتی، رو به نابودی رفت. بلو در ۱۲۸۸ق/۱۸۷۲م از ورود گسترده‌ی پارچه‌های پنبه‌ای

ارزان قیمت و لباس‌های ماشینی اروپایی به قاینات گزارش داده است.^{۲۹} مک گرگر در ۱۸۷۵م/۱۲۹۲ق بعد از اینکه از نوعی صنعت گلدوزی روی ابریشم در قاینات یاد می‌کند، اشاره می‌کند که این صنعت در حال نابودی است.^{۳۰}

به نظر می‌رسد روند حذف صنایع دستی قاینات، به دنبال افزایش واردات روسیه و بریتانیا به ولایت مذکور در دهه نخست قرن بیستم، رشد فزاینده‌ای داشته است. نگاهی به گزارش‌های تجاری کنسولگری انگلیس در بیرجند که سال‌های ۱۸۹۹م تا ۱۹۱۴م را در بر می‌گیرد، می‌تواند اطلاعات قابل توجهی را در باب گستره‌ی واردات مصنوعات خارجی به این ولایت و بازخورد آن در بخش صنایع دستی منطقه ارائه دهد. بنا بر این گزارش‌ها، حدود ۳۰ درصد از واردات بیرجند طی سال ۱۹۰۲-۱۹۰۱م از هند بریتانیا به منسوجات ماشینی اختصاص داشته است؛^{۳۱} طرفه اینکه از لحاظ میزان تقاضای کالاهای بریتانیایی در ولایت قاینات، این کالاها همواره در راس توجه مردم قرار داشتند و بنا به دسته بندی ارائه شده در اسناد مذکور برخی در رده‌ی نخست تقاضا و دارای فروش گسترده و تقاضای همیشگی (CLASS I.—Extensive Sale and always in Demand) و برخی در رده‌ی دوم و دارای تقاضای بالا (CLASS II.—In good Demand) بوده‌اند.^{۳۲} علاوه بر مصنوعات وارداتی از هند بریتانیا اعم از انواع پارچه‌ها، البسه و شیشه‌جات و غیره، ولایات قاینات و سیستان محل عرضه‌ی مصنوعات گوناگون روسی نیز بودند که هر سال در حجمی وسیع وارد بازار منطقه می‌شد و به صورت نسبه سه تا شش ماهه به فروش می‌رسید.^{۳۳} منسوجات روسی که عمدتاً دارای قیمت ارزان‌تری نسبت به اقلام مشابه وارداتی از هند بریتانیا بودند، برای مدتی هرچند کوتاه جای آنها را در بازار قاینات گرفتند؛ نگرانی مقامات بریتانیایی حاصل از این امر در اسناد کنسولگری انگلیس در بیرجند کاملاً مشهود است.^{۳۴} بنا بر این گزارش‌ها، صنایع دستی‌ای مانند کفش و همچنین

لباس‌های کرکی و پشمی بیرجندی که تا اوایل قرن بیستم گاه به مناطق دیگر از جمله مشهد و یزد نیز صادر می‌شد^{۳۵} و نشان از فعالیت قابل توجه صنعتگران محلی در این باب دارد، به تدریج موقعیت پیشین خود را از دست داد به گونه‌ای که از این پس از فهرست صادرات این ولایت به دیگر ولایات حذف شده است.^{۳۶}

رونق تولید و تجارت فرش دستباف قاینات

فرشبافی ایران که تا پیش از روزگار صفویه، به‌طور عمده رنگ عشایری، روستایی داشت و هنر و صنعتی برآمده از اختلاط و همجوشی فرهنگ جامعه شبانی و مدنیت ده‌نشینی به شمار می‌آمد،^{۳۷} در دوره صفوی، از ایلات و دهات به شهرهای بزرگ و کوچک آمده و در کارگاه‌های بافندگی بزرگ و متمرکز شهرها مسیر تازه‌ای را پیمود. شاه عباس صفوی در قرن شانزدهم برای پیشرفت این صنعت (فرشبافی) اقداماتی کرد و مکتب مخصوصی در اصفهان دایر نمود تا بافندگان تعلیمات لازم را فراگیرند^{۳۸} به دنبال این اقدامات، همانگونه که ادواردز اشاره می‌کند، در عرض مدت کوتاهی، صنعت قالی‌بافی از مقام یک پیشه روستایی به مرتبه عالی یک هنر و صنعت ظریف ارتقاء یافت.^{۳۹} اما با نمودار شدن بحران‌های سیاسی و اقتصادی اواخر این حکومت و متعاقباً سقوط آن، این صنعت نیز جایگاه پیشین خود را از دست داد تا اینکه در نیمه دوم حکومت قاجار و به دنبال تحولات پیش گفته، تولید و تجارت فرش دست‌باف، بر خلاف دیگر صنایع دستی منطقه شرایط بهتری را نسبت به قبل (بعد از سقوط صفویه تا اواسط قرن نوزدهم) - به عنوان یک کالای پولی و تجاری - تجربه کرد. اگرچه صنعت فرش‌بافی از قرن‌ها قبل در ایران رواج داشت اما مطرح شدن آن به عنوان یک کالای مهم صادراتی مربوط به دهه‌های پایانی قرن سیزدهم هجری قمری است.^{۴۰} نیاز ایران به یک کالای صادراتی به جای ابریشم^{۴۱} از یک سو و تقاضای زیاد فرش در بازار اروپا از سوی دیگر باعث شد که در

اواخر قرن سیزدهم هجری قمری صنعت فرش بافی ایران تغییرات قابل توجهی را تجربه کند.^{۴۲} افزایش تقاضا در اروپا عمدتاً بعد از بازگشایی نمایشگاه فرش وین نمودار گردید. در این نمایشگاه که در ۱۸۷۳م / ۱۲۸۹ق برپا شد، فرش‌هایی از خراسان، فراهان، سنندج و دیگر شهرها به نمایش گذاشته شد. بعلاوه، شکل‌گیری طبقه متوسط در بریتانیا و دیگر کشورها افزایش ظرفیت بالقوه بازارها را در پی داشت. به دنبال این افزایش تقاضا، شرکت‌های متعدد فرش از فرانسه، بریتانیا و آمریکا در نقاط مختلف ایران شروع به فعالیت کردند.^{۴۳} در نتیجه‌ی این امر، صادرات فرش به اروپا که پیش‌تر سالی معادل هزار لیره انگلیسی بود، در ۱۳۰۰ق به ده برابر افزایش یافت.^{۴۴} این کالا که در ۱۲۶۶ق جزو اقلام عمده‌ی صادراتی ایران نبود در ۱۲۹۷ق، چهار درصد و در ۱۳۲۹ق دوازده درصد از مجموع صادرات کشور را به خود اختصاص داد.^{۴۵}

اگرچه در اکثر نقاط خراسان، در شهرها، روستاها و همچنین میان قبایل عشایر فرش- بافی رایج بود اما بخش محدودی از این محصول با هدف تجارت تولید می‌شد و عمدتاً مصرف خانگی داشت. تنها در ولایات قاینات و ترشیز، بخش زیادی از این کالا برای اهداف تجاری تولید می‌شد. تجار فرش دست‌ورعمل بافت را مطابق نیاز بازار، به تولید کنندگان ارائه می‌دادند و بدینگونه آن را برای صادرات آماده می‌کردند.^{۴۶} بخش درخش مشهورترین منطقه قاینات در تولید فرش بود که در ۵۰ مایلی شمال شرق بیرجند قرار داشت.^{۴۷} بعد از درخش باید به روستای سده به عنوان دومین مرکز مهم تولید فرش در قاینات اشاره کرد که ظاهراً با مهاجرت چند قالبیاف درخشی به آنجا این صنعت رونق بیشتری یافت.^{۴۸} بنابر گزارش سایکس در ۱۸۹۹م / ۱۳۱۷ق، تنها در اطراف درخش، تعداد ۴۵۰ دار قالی فعال بود در حالیکه در همان زمان تعداد دارهای مشهد از ۴۰۰ عدد تجاوز نمی‌کرد.^{۴۹} به عنوان نمونه در روستای کوچک گسک که تنها ۵۰ خانوار جمعیت داشت،

سی دار قالی فعال بود.^{۵۰} تعداد دارهای فرش‌بافی قاینات در چند دهه‌ی پایانی قاجار رو به افزایش بود به طوریکه سالانه تقریباً صد دستگاه به مجموع دارها افزوده می‌شد چنان که تعداد دار قالی از ۶۴۴ در ۱۹۱۰م به بیش از ۸۰۰ در ۱۹۱۲م رسید.^{۵۱} به هر روی فرش دستباف قاینات از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، به تدریج در رأس اقلام صادراتی این ولایت قرار گرفت. به عنوان نمونه، صادرات فرش در سال ۱۹۰۱م، ۳۲ درصد از مجموع صادرات این ولایت به مشهد را به خود اختصاص داد.^{۵۲} این در حالی بود که بنا بر گزارش‌های موجود هر سال تولید و متعاقباً مبلغ حاصل از صادرات این کالا نیز افزایش قابل توجهی می‌یافت.^{۵۳}

کاهش کیفیت فرش

تقاضای زیاد فرش، عوارضی را نیز به دنبال داشت از جمله این که باعث رواج استفاده از رنگ‌های شیمیایی به جای رنگ‌های گیاهی در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری شد. در واقع تولیدکنندگان فرش در راستای پاسخگویی به سیل عظیم تقاضای این محصول در غرب، بیش از آنکه به کیفیت آن بیندیشند به افزایش کمیت آن توجه کردند و در این راستا به جای استفاده از رنگ‌های گیاهی که فراهم کردن آنها سرمایه و زمان بیشتری را می‌طلبد به استفاده از رنگ‌های مصنوعی روی آوردند تا حدی که کیفیت فرش‌های قاینات نسبت به قبل بسیار پایین آمد. کلنل بیت (Yate) فرش‌های تولید شده در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم را قابل مقایسه با تولیدات مشابه پیشین نمی‌دانست.^{۵۴} این در حالی است که فرش و قالی ایرانی همواره به رنگ ثابت و طرح و نقش‌های ظریف و دقیق در جهان معروف بوده است.^{۵۵} نگرانی حاصل از این وضعیت در نوشته‌های مربوط به دوره‌ی مورد مطالعه، منعکس شده است ضمن اینکه به تدریج، نگاه پر از اعتمادی که از قبل نسبت به فرش ایرانی وجود داشت، رو به نزول رفت. هانری رونه دالمانی، صاحب

سفرنامه از خراسان تا بختیاری، به مشتریان فرش ایرانی پیشنهاد می‌کند برای آزمایش رنگ فرش‌های ایرانی، پارچه‌ی سفیدی را با آب، تر کرده و محکم روی آن بکشند، هرگاه رنگ جوهری باشد لکه‌ای روی پارچه می‌افتد و اگر رنگ ثابت باشد لکه‌ای ظاهر نمی‌شود.^{۵۶} کرزن ضمن اینکه یکی از عوامل گسترش رنگ‌های جوهری در تولید فرش ایران را تلاش برای رقابت با کالاهای مشابه غربی ارزان قیمت می‌داند می‌نویسد:

شیوع رنگ‌های مصنوعی با آنکه از طرف دولت ایران ممنوع شده است اثرات نامطلوب در کار این صنعت باقی گذاشته و در کاهش و گاهی نیز از بین رفتن رنگ ثابت نباتی، تأثیر کلی داشته است. شتابزدگی در فرش‌بافی که رقابت با فرش‌های ارزان اروپائی را تسهیل کرده باشد اصالت طرح و جنس فرش ایران را دچار خطر ساخته و به تولید فرش‌های یک‌نواخت منجر شده است. چه اندازه زننده و ناگوار است که موقع خریدن فرش جدید ایرانی شرط اصلی احتیاط آن خواهد بود که خریدار با دستمال تر رنگ فرش را امتحان کند و انسان هیچ‌گاه از ثبات رنگ آن اطمینان ندارد، مگر آنکه حتما فرش کهنه خریداری کرده باشد.^{۵۷} وی معتقد است دخالت و نظارت کمپانی‌های زیگلر و هوتز نمایندگی مؤسسات اروپائی در فرش‌بافی مناطق مختلف نیز به اصالت و زیبایی فرش ایرانی لطمه فراوان وارد کرده است.^{۵۸} عین‌الدوله نیز در خاطراتش گلایه‌هایی از این وضعیت فرش بافی دارد: ایران است و این یک صنعت. آن را هم از بس در رنگ تقلب می‌کنند و جوهر استعمال می‌کنند نزدیک است شکست بخورد. باوجودی که ادخال جوهر قدغن است باز به توسط قاچاق وارد می‌کنند.^{۵۹}

اگرچه دولت ایران در سال ۱۳۰۴ق استفاده از رنگ‌های شیمیایی را در تولید فرش ممنوع اعلام کرد، اما استفاده از آن همچنان ادامه یافت. در گزارش‌های کنسولگری بریتانیا در بیرجند در این زمینه این‌گونه آمده است: «حکومت ایران، واردات رنگ‌های جوهری را

ممنوع اعلام کرده است با وجود این به نظر می‌رسد مقادیر زیادی از این نوع رنگ وارد کشور می‌شود.^{۶۰} به همین سبب اداره‌ی گمرک در سال ۱۳۲۲ق اجازه یافت تا فرش‌هایی را که در آنها از رنگ مصنوعی استفاده شده کشف و معدوم کند. پر واضح است که این قانون باعث رکود شدید صادرات فرش می‌شد، لذا دولت برای تولید کنندگان فرش مدت محدودی را تعیین کرد تا فرش‌هایی را که با رنگ‌های جوهری تولید شده بود، صادر کنند. در نتیجه‌ی تصویب این قانون در این سال، صادرات فرش قاینات دوباره شتابی فوق‌العاده یافت. این افزایش صادرات را می‌توان در مقایسه با سال قبل به وضوح دید. در نتیجه‌ی تحریم واردات رنگ‌های شیمیایی، جنبشی در واردات نیل به قاینات ایجاد شد. این کالا عمدتاً از ملتان وارد می‌شد و بیشتر از طریق مسیر تجاری نوشکی به ولایت قاینات می‌رسید.^{۶۱} ظاهراً به رغم تلاش‌هایی که توسط مقامات دولتی برای ممانعت از شیوع رنگ‌های شیمیایی به عمل آمد، همچنان این دست از رنگ‌ها تا سال‌ها بعد مورد استفاده قرار می‌گرفت. وزارت فواید عامه در نامه‌ای که در سال ۱۹۲۲م/۱۳۴۰ق. به ریاست الوزراء نوشت، تقاضا کرد از ورود نخهایی که رنگ ثابت ندارند جلوگیری شود.^{۶۲}

نتیجه گیری

با پیوند گسترده ولایت قاینات به بازار جهانی که خود حاصل از تحولات اقتصادی جهان قرن نوزدهم و متعاقباً ورود ایران به بازار بین المللی بود، عرصه‌ی صنایع دستی این ولایت نیز تغییر و تحولاتی را تجربه کرد. برخی از صنایع دستی که تاب مقاومت در مقابل مصنوعات ارزان قیمت و سهل‌الوصول غربی را نداشتند، از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد، تدریجاً از دور خارج شدند که خود نتایج نامطلوب اجتماعی و اقتصادی را برای صاحبین این حرف در پی داشت. وابستگی نقاط روستایی ولایت قاینات - که از لحاظ طبیعی فقر شدیدی را تجربه می‌کرد و معمولاً با تولید برخی صنایع دستی این فقر را مهار می‌نمود - به نقاط شهری و مراکز تجاری از آن جمله است. این در حالی بود که تجارت فرش دستباف قاینات به سبب تقاضای زیاد آن در بازار جهانی رونقی بیش از پیش یافت و میزان تولید آن به میزان قابل توجهی بالا رفت. با وجود این نباید از نتیجه نامطلوبی که این شرایط به دنبال داشت نیز غافل شد. در واقع به دلیل تجاری شدن این کالا و تلاش تولید کنندگان آن برای افزایش کمیت که استفاده از رنگ‌های جوهری، شیمیایی و بی دوام را به جای رنگ‌های طبیعی، گیاهی و پایا به دنبال داشت، کیفیت فرش‌ها افت قابل ملاحظه‌ای یافت. این امر موجب شد که فرش منطقه جایگاه پیشین خود را از دست بدهد و بدین صورت این صنعت نیز از گزند تحولات رخ نموده در حوزه‌ی صنایع دستی قرون نوزدهم و بیستم ایران، در امان نماند. بی‌تردید با تنزل صنایع دستی محلی، تقاضای داخلی برای مواد خام مانند ابریشم، پنبه و گرگ کاهش یافت و این محصولات بیشتر و بیشتر صادر می‌شد؛ متعاقباً به سبب تنزل صنایع محلی، نیاز به واردات کالاها بیشتر می‌شد و این چرخه به مرور زمان آسیبی جدی را بر اقتصاد منطقه به دنبال داشت.

یادداشت‌ها:

- ¹- McDaniel, Robert A., "Economic Change and Economic Resiliency in 19th century Persia", *Iranian Studies*, Vol. 4, No. 1 (Winter, 1971), p.37.
- ²- Gilbar, Gad G., "The Persian Economy in the Mid-19th Century", *Die Welt des Islams, New Series*, Vol. 19, Issue 1/4 (1979), p.207; Nashat, Guity "From Bazaar to Market: Foreign Trade and Economic Development in Nineteenth-Century Iran", *Iranian Studies*, Vol. 14, No. 1/2, (Winter - Spring, 1981); p.59.
- ³- Nashat, *Ibid*, p. 60.
- ⁴- Seyf, Ahmad, "Carpet and Shawl Weavers in Nineteenth-Century Iran"; *Middle Eastern Studies*, Vol. 29, No. 4 (Oct., 1993), pp. 679-689.
- ⁵- Seyf, Ahmad, "Carpet manufactures of Iran in the nineteenth century" *Middle Eastern Studies*, Vol. 26, No. 2 (Apr., 1990), pp. 204-213.
- ⁶- Seyf, Ahmad, "The carpet trade and the economy of Iran, 1870-1906", *Iran*, V. 30, (1992); pp. 99-105.

^۷- اتحادیه، منصوره، رسول پروان؛ «تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه»،

پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۳۹-۱.

^۸- ولایت قاینات در دوره مذکور تمامی گوشه جنوب شرقی خراسان را در بر می گرفت. این ولایت، پیش از دوره صفوی، البته در مقیاسی وسیعتر، قهستان نام داشت. در اواخر عصر صفویه عنوان قاینات برای قسمتی از این ناحیه به کار رفت و دیگر عنوان قهستان به آن اطلاق نشد. عنوان اخیر برگرفته از شهر اصلی ولایت یعنی قاین است که بارها بر منطقه اطلاق شده است. نک. فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان)، کارکنان وزارت جنگ انگلستان، مستقر در هندوستان، ترجمه کاظم خادمیان، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰، ص ۷۰۰؛ فنودی، عبدالحسین، تاریخ قاینات، به تصحیح محمود رفیعی، تهران، ۱۳۸۳، صص ۳۲-۳۱.

^۹- مورخین قرون نخستین اسلامی از تولید محصولات همچون کرباس، پلاس، قالی، سجاده و غیره در این ولایت یاد می کنند که به نواحی دیگر صادر می شد. نک: وجدانی، بهروز، نقش و نگارهای قالی بیرجند، کتاب ماه هنر، شماره ۲۳ و ۲۴، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، ص ۳۴.

- ¹⁰- Fraser. James B., *Narrative of a journey into Khorasan in the years 1821-2*, London 1825, p. 20
- ¹¹- Forbes, Fredrick, "Route from Turbat Haideri, in Khorasan, to the River Heri Rud, on the Borders of Sistan", Journal of the royal geographical society of London, vol. 14, p. 162.
- ¹²- Seyf, "The carpet trade and the economy of Iran, 1870-1906", p.101.
- ¹³- Ferrier, J. P. *Caravan journeys and wanderings in Persia, Afghanistan, Turkistan and Beloochistan*. London 1857, p.441.
- ¹⁴- Malkolm, ser John, *The history of Persia*, vol. 2, London, p. 145.
- ¹⁵- Southey, Thomas, *The rise, progress and present state of colonial wools*, London, 1848, P.328.
- ¹⁶- Wolff, Joseph, *Research and missionary labours among the Jews, Moham medans, and other sects*, Philadelphia 1837, P.81-82.
- ^{۱۷}- گنجی، محمدحسن، سی و دو مقاله جغرافیایی، انتشارات موسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۵۳، ص ۱۲.
- ^{۱۸}- لمبتون، آ. ک. س، ایران عصر قاجار، ترجمه‌ی سیمین فصیحی، انتشارات جاودان فرد، ۱۳۷۵، ص ۷۸.
- ¹⁹- Forbes, P. 162.
- ²⁰- Greaves, Rose Louise, *Persia and the Defence of India 1884-1892*, London, p.22.
- ²¹- Popowski, Józef, *The rival powers in Central Asia; or, The struggle between England and Russia in the East*, 1893, p.133-136.
- ²²- Mojtahed-Zadeh, Pirooz, *Small Players of the Great Game*, Routledge, London, 2004, P.94.
- ²³- Greaves, 1959:90
- ²⁴- Mojtahed-zadeh, 2004: 94
- ²⁵- Daukes, "Report on the Trade of the Province of Seistan and Kain for the year ending February, 1906," P.17-19:
<http://parlipapers.chadwyck.co.uk>

^{۲۶} - برای کسب اطلاعات بیشتر در این باب ن.ک: آرامجو، علی، قاینات در دوره قاجار، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹، صص ۹۹-۹۰.

^{۲۷} - فوران، جان، همکاری شکننده تاریخ تحولات اجتماعی در ایران ۱۵۰۰-۱۹۱۴م، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدماتی و فرهنگی رسا، ۱۳۸۹، ص ۲۶۸.

^{۲۸} - راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، نگاه، تهران، ۱۳۸۲، ج ۵، صص ۳۷۷-۳۷۸.

²⁹ - Bellew , Henry Walter , *Record of the march of the mission to Seistan*, Calcutta 1873, P. 304.

^{۳۰} - مک‌گرگر، سی. ام، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان در ۱۸۷۵ م، ترجمه اسدالله توکلی، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۲، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳.

³¹ - Benn, R.A.E, Consul at Sistan, Report on the Trade of Sistan and Kain during the Ytar 1901-02, P.39-40.

<http://parlipapers.chadwyck.co.uk>

³² - Ibid, P.42-44

³³ - Macphehson, A.D, Report on the Trade of the Provinces of Sistan and Kain for the Year ending February 18, 1905, p. 5.

³⁴ - Daukes, P.6.

³⁵ - Report on the Trade of Sistan and Kain during the Years: 1901-1906.

³⁶ - Report on the Trade of Sistan and Kain during the Ytar 1907-1913.

^{۳۷} - راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، ص ۶۱۳.

^{۳۸} - دالمانی، هانری رونه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمد علی فره وش، تهران،

امیرکبیر، ۱۳۳۵ش، ص ۱۲۰.

^{۳۹} - راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، ص ۵۷۶.

⁴⁰ - Seyf, 101

^{۴۱} - بعضی از محققین معاصر، تاثیر مرض ابریشم و در نتیجه رکود تجارت ابریشم بر تجارت فرش را بسیار ناچیز قلمداد می کنند؛ زیرا این فرضیه اهمیت منطقه گرای و اقتصاد منطقه ای ایران را مورد توجه قرار نمی دهد. این افراد عامل اصلی در رونق فرش کشور را توسعه روزافزون

بازارهای بین المللی برای این محصول می دانند که مستقیماً با افزایش اهمیت استراتژیکی و تجاری خاورمیانه برای کشورهای صنعتی ارتباط داشته است: ن.ک:

Savory, "Carpet" in Iranica: www. Iranica.com

⁴²- Seyf, 1990:204

⁴³- Savory, "Carpet" in Iranica: www. Iranica.com.

⁴⁴- روزنامه اختر، ۱۳۰۰ق، ص ۵۳.

⁴⁵- Nashat:66

⁴⁶- Ellas, N, Report on the Trade of Northern Khorasan for the Year 1891-92.p.7

⁴⁷- Smith, Euan, *the Perso-Afghan mission*, journal of the persian boundary commission, 1870-71-72, vol. 1, London, 1876, p. 336; Goldsmid, F. J., *Journey from Bandar Abbas to Mash-Had by Sistan, with Some Account of the Last-Named Province*, journal of the royal geographical society of London, vol. 43, (1873), P.77.

⁴⁸- Smith, 339.

⁴⁹- Sykes, Molesworth, "Report on the Trade of Khorassan for the year 1904-1905," p.8.

⁵⁰- Ibid.

⁵¹- Kennion, Report on the Trade of Sistan and Kain during the Year 1910, p.28; Hunter, Report on the Trade of Sistan and Kain during the Year 1912, p.8.

⁵²- Benn, R.A.E, Report on the Trade of Sistan and Kain during the Year 1901-02, P.41.

⁵³- Report on the Trade of Sistan and Kain during the Years: 1901-1913.

⁵⁴- Yate, A. C., *England and Russia face to face in Asia: travels with the Afghan boundary commission*, London, 1886, p.380.

⁵⁵- فوروکاوا، نوبویوشی، سفرنامه فوروکاورا، ترجمه هاشم رجب زاده، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳.

⁵⁶- دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۱۴۱.

⁵⁷- کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۲، ص

^{۵۸} - همانجا

^{۵۹} - روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۵، ص ۳۹۶۲.

^{۶۰} - Kennion, 1909: 29

^{۶۱} - Ibid, p.10.

^{۶۲} - فراهانی، حسن، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۲.